



## هنر عمومی و نقش آن در زیباسازی شهر

پوهاند محمد عالم فرهاد<sup>۴</sup>

تقریظ‌دهنده: پوهنوال اسلام‌الدین فیروز

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم  
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

### چکیده

مهم‌ترین ویژگی هنر عمومی با در نظر داشت همه مواردی که در رابطه به آن ذکر شده است، ایجاد مناظر زیبای بصری در محیط پیرامون است. زیباسازی محیط شهری از نظر طراحی هنر عمومی تأثیر ارزنده در سلامتی ذهنی و روحی مردم دارد. هنر عمومی در پهلوی این‌که پیام‌ها و مفاهیم را به طور مستقیم به مخاطب انتقال می‌دهد وظیفه دارد تا یک فضای بهتر و مناسب شهری و محیط آرام‌بخش و به دور از تشویش‌های روحی و روانی را به مخاطبش ایجاد کند. از موضوعاتی است که مطلقاً ارتباط می‌گیرد به هنر و هنرمند. از آن‌جایی‌که انسان ناخودآگاه و فطرتاً به زیبایی و آراستگی تمایل دارد، ناهنجاری‌های محیطی را دوست ندارد. حضور در محیط شهری که تمام عناصر آن در جای مناسب قرار گرفته باشد، برای هر شهروندی لذت‌بخش است. محیط سالم، منظم و مطمئن به آرامش و سلامتی روحی و جسمانی شهروندان مستقیماً تأثیر می‌گذارد. هنرهای تجسمی و طراحی شهری زمینه را مساعد می‌سازد تا بین مردم و محیط رابطه‌ی دوستانه را ایجاد کند تا از طریق آن در یک فضای آرام و محیط سالم به زندگی روزمره ادامه دهند.

اصطلاحات کلیدی: هنر؛ فضا؛ شهر؛ محیط؛ طراحی

## Common Art And Its Role In City Embellishment

Professor Mohammad Alim Farhad

### Abstract

Most important specialty of general art by considering all those items that has been mentioned about it, are creation of intuitive sights in environment around. From general art point of view beautifying the urban environment has valuable effect in mental health of mankind. General art beside that it transfer the messages and concepts directly to audiences, its obliged to make a better and appropriate and tension free environment for it audience, these are from topic who totally communicates to art and artist. Since the beauty and adornment has been desired by mankind unintentionally, doesn't like the environment anomalies, and being part of a city that all it elements are in own place are delightful for every citizens. A safe and arranged environment directly effects on it citizens. Visual arts and urban designing provides a friendly environment between humans and environment, to continue their daily lives in a peaceful and healthy environment.

Keywords; Art; Space; City; Environment; Designing

### ارجاع

فرهاد، محمد عالم. (۱۳۹۹). هنر عمومی و نقش آن در زیباسازی شهر. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۲۷ - ۴۱.

<sup>۴</sup> استاد پوهنهی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل

## مقدمه

در دهه‌های اخیر خصوصاً اواسط قرن بیست هنر عمومی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر به منظور دستیابی به اهداف متعالی در جهت بهتر زیستن و توجه به مشکلات و دغدغه‌های محیط‌زیستی در فضای شهری مورد توجه هنرمندان بوده. هنر عمومی با بسیاری عوامل تأثیرگذار بر فضای شهری در ارتباط است و یکی از اهداف آن را زیباسازی فضاها و منظره‌های شهری تشکیل می‌دهد. هنر عمومی به مثابه‌ی رسانه‌ی دیداری توانایی آن را دارد که ساختارهای فضای شهری را دگرگون سازد. هم‌چنان توجه شهروندان را به نقاط آسیب‌پذیر در محیط شهری معطوف سازد، تا در پی رفع معضلات ناشی از بی‌توجهی شهروندان بپردازد. ایجاد می‌نماید تا عده‌ی از معماران و طراحان شهری به عواملی مانند مفهوم اجتماعی یک ناحیه و یا یک قسمت از شهر و یا هم‌چنان سوابق تاریخی و یا حتا نام آن توجه نمایند و آن را چنان در نظر گیرند که شهروندان آن احساس غرور کنند و به شهر و ناحیه‌ی خود ببالند. شاید بتوان گفت که به‌کارگیری و کاربرد هنر در شکل‌گیری فرایند ساختار شهری کمک می‌کند تا شهروندان تصویر خوبی از شهر و فضای شهری در ذهن خود داشته باشند. در این مقاله سعی به عمل آمده تا به نکات ارزنده‌ی هنر عمومی و نقش آن در بهبود فضاهای شهری پرداخته شود.

یکی از مشکلات اساسی در فضاهای شهری افغانستان این است که شهرها متأسفانه امروز صرف به مسیر رفت و آمد تبدیل شده است. در ابعاد فرهنگی و اجتماعی پاسخ‌گوی نیازهای انسان امروزه نمی‌باشد. مسأله‌ی اساسی در این مقاله چگونگی استفاده از هنر عمومی در راستای ایجاد فضایی است که شهر را به مکان آسایش به عموم شهروندان تبدیل ساخته و باعث آرامش خاطر باشند. آن‌ها در مشکل اساسی فضاهای شهری امروزه در کشور ما اینست که کم‌تر می‌توان با محیط شهر روابط حسی مطلوب و دل‌پذیر برقرار کرد.

از آنجایی که هنر عمومی تأثیر خود را به ابعاد عمومی جامعه وارد می‌سازد، هنر که تا این زمان ارتباط بصری با محوریت هنرمند داشته، با امکاناتی که تکنالوژی در عرصه‌ی هنر به دست می‌دهد رویکرد عمومی یافته و از آن طریق با داخل شدن هنر در فضای شهری آرامش و فضای دور از تشویش‌ها و دغدغه‌های محیط‌زیستی را به ارمغان می‌دهد. روی این دلیل پرداختن به هنر عمومی و نقش آن در زیباسازی شهر، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

این تحقیق از نظر شیوه تحلیلی و توصیفی، به ویژه تحلیل محتوایی بوده و از نظر استفاده از منابع، از روش تحقیق کتاب‌خانه‌یی استفاده شده است.

## اهداف تحقیق

- زیباسازی و هویت‌بخشی فضای عمومی شهر با توجه به رویکرد تعاملی بودن و کنش متقابل هنرعمومی با شهروندان؛
- معرفی مبلمان شهری به هدف بیان خلاقیت و نوآوری هنرمندان عرصه‌ی هنر عمومی و
- توجه داشتن به اثرات متقابل هنرعمومی با مخاطبین اش در شهر.

## سؤالات تحقیق

- هنرعمومی چه نقشی در زیباسازی شهرها دارد؟
- تأثیر هنر عمومی را در زمینه‌ی ایجاد شهری که اسباب آرامش روحی و روانی را مساعد سازد، چگونه ارزیابی می‌کنیم؟
- استفاده از هنرعمومی چه تأثیری در ارتقای کیفیت محیط شهری دارد؟

## فرضیه‌ی تحقیق

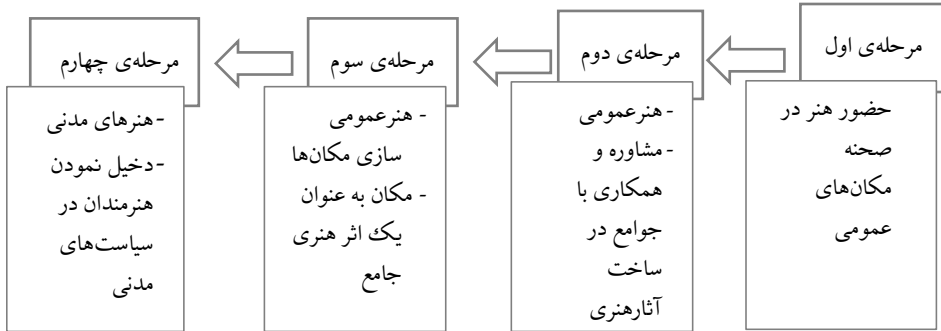
- به گمان اغلب دلیل رشد کیفیت زندگی شهری و نگاه انسان‌مدارانه به آن در اکثر کشورهای جهان دخیل ساختن هنرهای عمومی در فضای شهری است.
- نگاه استیتکی و زیباشناسانه امکان دارد فضای شهری را پُر از لطافت توأم با آرامش بسازد.
- احتمال دارد استفاده از روش‌های مختلف هنرعمومی اسباب جنب‌وجوش را در خیابان‌ها و شهرها مساعد سازد.

## مروری بر پیشینه‌ی هنر عمومی

اصطلاح «هنرعمومی» در مفهوم عام‌اش هنری است که در فضای عمومی واقع شده است، برای عموم مردم قابل مشاهده و قابل دست‌رس بوده و می‌تواند به‌طور دایم در کالبد طراحی یا عناصر ثابت یک ساختمان یا مکان گنجانیده شود یا پروژه‌ی مؤقتی مانند چیدمان‌ها و وقایع هنری باشد. این هنر می‌تواند همان‌طور که در فضاها‌ی متعلق به عموم واقع شده در مناطق عمومی از توسعه‌های خصوصی نیز وجود داشته باشد.

اصلی‌ترین دسته‌بندی برای هنرعمومی دایمی عبارتند از: یادمان‌های تاریخی، بناهای ویژه، یادگارهای تزئیناتی و اجزای مبلمان شهری. تعریفی که به خوبی می‌توان جمع‌بندی از تعاریف مختلف از مفهومی هنر عمومی با شد، توسط (ژاویرمادرولو) بیان شده است: «گونه‌ای مشخص از هنر که نصیب گروه خاصی از شهروندان در هنر معاصر نبوده و مکانش در فضای باز شهری می‌باشد.

مفهوم هنر عمومی می‌تواند شامل مواردی از قبیل: وقایع کارهای برجسته و شاه‌کارها، فعالیت‌های هر نوع ابزارهنرهای نمایشی، هر نوع ابزار از هنرموسیقی و در کل تمامی فعالیت‌های خلاق و پرمعنا باشد. از دیدگاه جک مکی تاریخ‌چه‌ی کوتاه هنر عمومی چهار مرحله دارد که در این تاریخچه «آفرینش مکان» نقشی محوری دارد (نمونه ۱) (بهرامی نیکو و سجاذزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۴۷).



شکل ۱: سیر تحول هنر عمومی به زعم جک مکی

در سال‌های اخیر برنامه‌ریزان و طراحان شهری در سراسر جهان به هنر مفهومی (هنری که در قلمرو عمومی وجود دارد) به عنوان فرصتی در جهت ایجاد محیط‌هایی پرجنب‌وجوش و با معنا در شهرهای کوچک و بزرگ می‌نگرند. اگر چه هنر عمومی به عنوان هنر تلفیق شده با فضای عمومی شهرها یعنی پارک‌های شهری، خیابان‌ها، ساختمان‌های عمومی، مجموعه‌های مسکونی و هر فضایی که مردم در آن کار و زندگی می‌کنند و اوقات فراغت شان را می‌گذرانند اتفاق می‌افتد، گرچه این امر یک موضوع جدید نیست، از دیر زمان به این طرف مورد توجه طراحان شهری قرار داشت، اما برنامه‌ریزان و طراحان شهری و کسانی که در پی سیاست‌گذاری‌هایی جدید شهری در مطابقت به نیازمندی‌های اجتماعی هستند بیشتر به آن می‌پردازند. هنر عمومی به مثابه‌ی یک عامل قدرت‌مند و تأثیرگذار در فضای شهری بوده که می‌تواند زمینه‌های ارتقای فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها و فضاهای عمومی را باعث شود. هنر عمومی به دنبال گشودن زوایای جدیدی است که می‌توان از آن زوایا، ساختار اجتماعی هنر را مشاهده کرد. بر علاوه هنر عمومی متکی بر نوعی اثر متقابل بر مبنای بعضی انگاره‌های مشترک می‌باشد (مرادی، ۱۳۸۶).

### تأثیر هنر در زندگی و حیات شهری

از آنجایی که ارتباط هنر با جامعه ارتباطی دو سویه است از یک سو جامعه بالای هنر تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر هنر بر جامعه تأثیرگذار است. مناقشه‌ی متداول امروزی بین سنت و مدرنیته آیینی

چنین ارتباطی است. تمام حرف‌های طرفین (سنت و مدرنیته) در این است که مدرنیته محصول و در خور آن جوامع است که تحول ویژه‌ی خود را با گذشت زمان طی کرده‌اند و در یک مرحله‌ای از تاریخ تحول شان به مدرنیته رسیده‌اند. اگر جامعه و کشوری چنین مراحل طی نکرده باشد، واژه‌ی مدرنیته در آن یک فلسفه و ایده‌ی بی‌گانه است که تا اکنون بدان نرسیده‌اند. از سوی دیگر هنر و اندیشه و یا ایده می‌تواند جلوتر از صورت‌بندی‌های اجتماعی حرکت کند و خود وسیله‌ی شود برای تغییرات مثبت اجتماعی. این امر به ویژه در معماری و شهرسازی بیشتر از همه صدق می‌کند. ایجاب می‌کند معماران و شهرسازان رویکرد زیباشناسانه بر مبنای نظری هنر داشته باشند.

در عرصه‌ی شهرسازی در شرایط موجود تیوری‌های جدیدی مطرح است که از یک طرف در برگیرنده‌ی نیازهای انسان امروزی است و از طرف دیگر زمینه‌های انکشاف و تعالی را در این عرصه فراهم می‌سازد. شهرسازی امروزی دیگر به معنا ناحیه‌بندی و منطقه‌بندی نمی‌باشد. شهر فقط شبکه‌ای از کوچه‌ها و خیابان‌ها با خانه‌ها و ساختمان‌ها در آن نیست. شهر از نظر کالبدی یک تندیس بزرگ است که روح انسانی و بزرگی در آن جریان دارد. تک تک اجزای شهر امروزه اجزایی از اندامی ارگانیک به شمار می‌رود که در تعاملی چندلایه با بقیه اعضا عمل می‌کند.

(<https://www.aftabir.com/articles/view/social/urban/c4c1219383773-art-p1>)

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقش دادن به هنر در فضاهای شهری یکی از بهترین و مناسب‌ترین راه به سوی زیباسازی سیمای شهر و ساختن فضاهای مناسب شهری جهت تمرکز و تعامل شهروندان مخصوصاً در شهرهای پر ازدحام و آشفته چون کابل می‌باشد. طراحی شهری سهم بزرگی در حراست و محافظت از حریم فرهنگی و تاریخی جامعه نیز دارد (نورزایی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹).

در شرایط کنونی شهرها به سوی پیاده‌محوری و رابطه‌سازی و رابطه‌پذیری می‌روند. امروزه هیچ کس نمی‌تواند شهر را بدون تزئین، بدون حیات سبز و بدون ریه‌های فرهنگی و هنری تجسم کند. در این جا تعریف فردوسی از خانه را می‌توان به شهر هم‌ساز کرد. «شهر یعنی همه جای شادی و آرامی و مهر» شهرسازان امروز با در نظر داشت این اصول، فلسفه‌ی هنری خود را تبیین می‌کند. روزگاری همه اعتقاد به این داشتند که هنر نوعی نیاز انسانی است که در جهت انتقال اطلاعات و دانسته‌های آدمی عمل می‌کند اما عده‌ای از اندیش‌مندان هم چون "لالو" با یک پارچه کردن نظرات خود بر اساس نظرات "اسپنسر و شیلر" که هنر را فعالیتی بازی‌گوشانه و سرگرم‌کننده می‌خواند. به بیان این نظریه می‌پردازد که هنر نوعی بازی است و لازمی این بازی اجتماعی بودن آن است. پس هنر نوعی بازی اجتماعی است. "وینکادبلام" زن هنرمند و معمار امریکایی (هلندی‌تبار) هم یکی از جسورترین معماران امروز است

که معماری را یک بازی می‌داند بازی‌ای که حاصلش باید شادایی، تازگی آرامش و زیبایی باشد. وی معتقد است که بازی قواعدی دارد. هنر بازی ایست که به وسیله‌ی جامعه تنظیم می‌شود. این بازی در صورت رعایت اصول قبلاً وضع شده می‌تواند عامل همبستگی اجتماعی شود و نیز "پیاژه" در تحقیقات خود نشان داده که بازی نوعی تمرین برای پیوندهای اجتماعی است.

هنر نیز هم چون یک بازی جمعی می‌تواند نوعی تمرین زندگی اجتماعی باشد و در کنار آن کارکرد دیگری را نیز برعهده داشته باشد مثلاً گاهی گریز به بیرون از واقعیت و فرار از چنگال اجبارهای اجتماعی که به افراد جامعه فشار وارد می‌کند، رهایی از برخی کنش‌های مزاحم ضد اجتماعی به وسیله‌ی هنر، البته این بدان معنا نیست که هنر در ضدیت با جامعه است بلکه هنر در خدمت جامعه قرار می‌گیرد چرا که به تنش‌های ناخودآگاه هدف می‌بخشد. در این نظریه هنر به عنوان بازی‌ای جمعی تلقی می‌شود زیرا اهداف اجتماعی پیدا می‌کند و وسیله‌ای می‌شود برای رسیدن به هدف جمعی، هنر زبان سمبولیک است که معنایی جامعه‌شناختی دارد و در شکل‌گیری و تکامل آن نیز عوامل مختلفی دخیل اند. عواملی که در درون زندگی اجتماعی و محیط آن‌ها قرار گرفته اند. هنر مواد و مصالح خود را از طبیعت می‌گیرد و زندگی خود را آغاز می‌کند و لیکن برای بقای خود به جامعه نیاز دارد. در جامعه شخصیت می‌یابد و ادامه پیدا می‌کند و وسیله‌ای می‌شود برای بیان ویژگی‌های جامعه‌شناختی. جامعه خود نمود هنر و زندگی هنری در شهر به دو گونه است؛ نخست این که شهر و کالبد معماری آن می‌تواند و باید اثری هنری باشد. دوم این که شهر محلی است برای بروز و نمایش آثار و گرایش‌های هنری. پرودن راه چاره‌ی دردهای اجتماعی آدمیان هجران‌زده را از زندگی صنعتی شهری و هم‌چنان پرورش روح و جان آنان می‌داند. او وظیفه پرورش روح انسان‌ها را به هنر محول می‌کند. پرداختن به هنر در زمینه‌های مختلف آن هم چون برگزاری مراسم هنرهای نمایشی در سطح شهر ایجاد گالری‌ها و نگارخانه‌هایی برای عرضه آثار هنری، پرداختن هنرمندانه به فرم فضا‌های شهری همه و همه موجب ارتقای زندگی اجتماعی شده و وفاق و همبستگی جمعی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر محیطی راحت و آرام را برای ساکنان آن پدید می‌آورد.

در طراحی نشانه‌های شهری مبلمان شهری هم چون ایستگاه‌های اتوبوس فضا‌های توقفگاهی در مسیرهای پیاده‌رو برخیا بان‌ها و کنار گذرخیابان‌ها هنر نقش مهمی دارد. تلاش عمومی باید براین باشد که شهر از اغتشاش بصری خارج شود و به پاکیزگی هنرمندانه برسد. عدم نظم و آرامش هنرمندانه در سیما و مبلمان شهری مثل سریال‌های کم‌ارزش تلویزیونی هستند که تمام روابط بین آدم‌ها در آن‌ها در حد جنگ‌ها، دادزدن‌ها، چال، فریب و دغل‌بازی‌ها خلاصه می‌شود و نشانی

از آدم‌ها و خانواده‌های فرهیخته که آرام حرف می‌زنند و لب‌خند بر لب دارند، نیست. شهر هم چنین داستانی دارد. خرابی سیمای شهر هم در بُعد کلان و هم در سطح ملموس‌تر واقع در منظر عابر پیاده، سبب گسست‌های رفتاری و زمختی عصبی مردم می‌شود. این عوامل در حقیقت عوامل پنهان‌تر بیتی شهر هستند. (<http://www.aftair.com/articles/view/social/urban/c4c1219383773-art-p1.php>).

### هنر عمومی تعاملی

شماری از آثار هنر عمومی به گونه‌ی طراحی می‌شوند که مشارکت بینندگان را افزایش داده و موجبات تعاملات متقابل بین مردم و اثر هنری را فراهم می‌سازند. از این رو هنر تعاملی با وجود ارائه‌ی فردی اثر هنری از مشارکت افراد دیگر بی‌بهره نمی‌ماند. برعکس شکل‌های سنتی هنر که در آن تعامل مخاطب تنها رویدادی ذهنی است. در هنر تعاملی امکان جست‌جو ایجاد همیاری و درگیر شدن با اثر هنری و کنش متقابل بین افراد و اثر هنری وجود دارد، عملی که بسیار فراتر از فعالیتی صرف ذهنی است. در ارتباط با فضا هر چه اندام‌های حسی بیشتری به کار گرفته شود فضا از جذابیت بیشتری برخوردار می‌شود. فضاهایی که علاوه بر حس بینایی، حواس شنیداری، بویایی لامسه را نیز تحریک می‌کند و تأثیر بیشتری بر انسان می‌گذارد.

بسیاری از اثرات هنر تعاملی اغلب با تکیه بر موارد نظیر جنس مصالح رنگ طرز قرارگیری موقعیت مکانی میزان بازبودن و ارتجاعی بودن آن جهت سهولت درگیری موقعیت مکانی میزان بازبودن و ارتجاعی بودن آن جهت سهولت درگیری مخاطب با اثر طراحی می‌شوند. در اثر هنری تعاملی هم مشاهده‌گر و هم اثر طراحی می‌شوند. در اثر هنری تعاملی هم مشاهده‌گر و هم اثر هنری بایک‌دیگر کنش متقابل برقرار می‌کنند تا یک اثر کامل و واحد ایجاد شود. اگرچه همه بینندگان تصویری یک‌سان از تجسم احساس نمی‌کنند اما چون هنر تعاملی است هر بیننده‌ی تفسیر خود را از اثر هنری دارد که می‌تواند با تفسیر بیننده‌ی دیگر متفاوت باشد.

با توجه به آنچه بیان شد هنر عمومی یکی از اجزای فضای شهری است که با توجه به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و ابعاد معنایی خود در ادراک شهروندان و البته در خاطره‌انگیزی و ارتقای هویت مکان نقش به‌سزایی دارد. آنچه در دهه‌های اخیر به عنوان هنر عمومی تعاملی مطرح گردیده است، نوعی از هنری است که امکان برقراری ارتباط با مخاطب را به صورت آزادانه و نزدیکی برقرار می‌سازد و علاوه بر افزایش حضور افراد در فضاهای شهری به ارتقای سطح زندگی فضا و نشاط مردم کمک شایانی می‌نماید (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۴).

## زیباسازی فضای شهری

نقش حیاتی محیط و تأثیر کیفیت آن بر زندگی انسان امری بدیهی است. محیط‌های مختلف تأثیرات خاصی به روحیه افراد می‌گذارد و رفتارهای متفاوتی را در آن‌ها ایجاد می‌کنند. بنابراین، ساختار بصری شهر به عنوان یکی از فاکتورهای کیفی محیط، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (پورمختار، ۱۳۹۲، ص ۲). این نکته واضح است که تنها طراحی شهری می‌تواند کلیت و یک پارچه‌گی را در ساختار شهر فراهم کند و هر جزئی که به ساختار شهر اضافه می‌شود، باید در کل جلوه‌دهی مجموعه‌ی شهر تأثیرگذار باشد، یعنی باید جزء در کل معنا یابد تا ساختاری یک‌پارچه ممکن شود (محمودی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

فضای شهر و محله خود را با فضای داخل منزل مقایسه کنید. همان‌طوری که می‌بینید ابزار و وسایل مختلفی در خانه وجود دارد که هر کدام برای کار خاصی ساخته شده و نیازهای شما را برای انجام فعالیت‌های مختلف برآورده می‌سازد. خانه‌ی شما به اصطلاح مبله است. یعنی اثاثیه و تجهیزات لازم برای زندگی در فضای خانه فراهم است. وقتی شما یک آپارتمان مبله کرایه می‌کنید، بدین معنا است که وسایل ابتدایی زندگی در آن وجود دارد. تجهیزاتی مانند میز و چوکی، یخچال و اجاق گاز و روشنایی و بسیاری دیگر، درست مانند یک هتل معمولی که می‌توانید فقط با بکس و وسایل شخصی تان به آن‌جا نقل مکان کرده و در آن سکونت کنید. یک شهر مبله نیز همین معنا را دارد؛ یعنی کلیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز برای زندگی شهری در آن فراهم است و به آن‌ها امکانات و تسهیلات شهری یا مبلمان شهری گفته می‌شود.

وسایلی مانند: آب‌خوری، کوچ، ایستگاه سرویس و تاکسی، پل عابر پیاده، تابلوهای شهری، زینه و پل‌های هوایی، سطل زباله، وسایل بازی کودکان و بسیاری دیگر از این‌ها که بیش از یک‌صد مورد را دربر می‌گیرد. تمامی این‌ها نیاز کاربردی مردم و گردش‌گران را فراهم می‌آورد. در این میان تأثیرات هنر و زیبایی‌شناسی بر روح و روان انسان‌ها نیز اهمیت بسیار دارد. همان‌گونه که در فضای خانه به تغییر رنگ دیوارها، نصب تابلوهای نقاشی، مجسمه و تزئینات اهمیت می‌دهید. فضای شهری هم برای آرامش و نشاط روحی شهروندان و تأثیرگذاری مثبت نیازمند آثار فرهنگی، هنری و هویت‌بخشی است.

شهر تنها شامل بناها نیست بلکه فضای بین ساختمان‌ها، کوچه، میدان، فضای سبز، حضور و همراهی مردم است که موجودیت شهر را می‌سازد و به آن بها می‌دهد. مردم فعالیت‌های خود را در قالب سه پهنه‌ی زندگی تفریح در فضاهای عمومی انجام می‌دهند. چهره‌ی شهر مانند موزیم و نگارخانه‌ای است

که هر روز نمایشگاه آثار متنوع مردم و منظره‌ی تاریخ و فرهنگ تمدن بشری است. فضای شهری زندگی شهروند را تشکیل می‌دهد. بنابراین، مدیران طراحان و افراد متخصص باید محیط را به گونه‌ی تجهیز کنند که شرایط زندگی و محیط‌زیستی آن از «سطح عالی» برخوردار باشد.

امروزه شهرها مانند شرکت‌ها باهم به رقابت می‌پردازند: تلاش برای زیباتر شدن کارآمد بودن و ارائه‌ی هویت با ارزش دارند. چراکه در این صورت قادر خواهند بود توجه جهانی جذب گردشگر و بازار سرمایه و استعداد را به خود اختصاص دهند. به همین دلیل رشد و توسعه‌ی کیفیت زندگی شهری و نگاه انسان‌مدارانه مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت مفهومی چندوجهی است که از طریق واقعیت فیزیکی موجود مانند زیبایی محیط و اجزای آن و پاسخ‌گویی به نیاز انسان‌ها در ذهن و روان آدمی شکل می‌گیرد و تبدیل به تجربه‌ی مطلوب و خوشایند می‌گردد. کیفیت فضای شهری یعنی ترکیب‌بندی فضاهای باز و بسته به گونه‌ی که از نظر عملکرد و زیبایی رضایت‌بخش باشد. در یک قرن اخیر با رشد روزافزون شهرنشینی و با توجه به پیامدهایی که صنعت و نوگرایی در زندگی شهری به همراه داشته است، شاهد از بین رفتن بسیاری از فضاهای ارزشمند شهری و شکل‌گیری شتاب‌زده و سنسجیده‌ی فضاهای عمومی کنونی در شهرها و در پی آن حضور پدیده‌ی حومه‌نشینی بوده ایم.

فضاهای شهری امروزی فقط به مسیر عبور و مرور تبدیل شده اند و کم‌تر در ابعاد اجتماعی پاسخ‌گوی نیازهای انسان امروزی اند. در این میان فضاهایی که مکان آسایش عمومی باشند و باعث آرامش خاطر انسان شوند، نیز حذف شده اند. در حال حاضر رانندگی به سرگرمی اصلی مردم تبدیل شده و پیاده‌روی یک هنر فراموش شده است. در حالی که در گذشته‌ی نه‌چندان دور پیاده‌روی، اصلی بود که معماران و طراحان اصیل بر مبنای آن به ساخت و ساز محیط و فضاهای دسترسی در فضای باز شهری می‌پرداختند.

مشکل اساسی فضاهای شهری امروز این است که در عرصه‌های وسیع و پیچیده به آسانی نمی‌توان با محیط شهر روابط حسی مطلوب و دل‌پذیر برقرار کرد. هنوز در بسیاری از فضاهای شهری به روابط و نیازهای انسانی توجه نشده و برای حضور و استفاده مردم از فضاهای عمومی امکانات مفید و با کیفیت بسیار محدود و ناچیز است. بنابراین، قبل از هر گونه مداخله در سطوح کلان شهری باید اهداف شکل‌گیری و جایگاه پروژه‌های شهری تعریف شود و شاخصه‌های بصری ادراک محیط و کیفیت فضایی مورد بازشناسی قرار گیرد.

واقعیتی که تاکنون به درستی درک نشده این است که در تجهیز فضاهای عمومی و ارتقای کیفیت محیط هیچ اقدام مؤثر و هوشمندانه‌ای صورت نمی‌گیرد مگر این‌که بر مبنای شناخت واقعیت باشد.

شعار زیبایی "شهرما خانه ما" هنگامی عینیت می‌یابد که شهروند تأثیرات آن را در محیط مشاهده نماید. به عبارت دیگر، روابط آشکار در عملکرد سازمان‌ها و مدیران شهری با زندگی شهروندان نمود پیدا کند (حسینی لاهیجی، ۱۳۸۹).

### نقش هنر محیطی در زیباسازی فضای شهر

شهر به عنوان محیطی کالبدی است که باید پاسخ‌گوی انواع نیازهای جسمی و روحی شهروندان باشد و به زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها کیفیت بخشد به عقیده‌ی "کوپن لینچ" هدف اصلی طراحی شهری ارتقای کیفیت محیط کالبدی انسان و از طریق آن ارتقای کیفیت زندگی انسان است بنابراین، با توجه به این‌که رعایت مقیاس انسانی در فضاهای شهری از اصول ارتقای کیفیت کالبدی شهرها به شمار می‌رود. هنر شهری و هنر محیطی هنگامی که در بیشتر محیط کالبدی شهرها و فضاهای شهری خلق می‌شود، باید متناسب با مقیاس انسانی و نیازهای اجتماعی فرهنگی و سیاسی معاصر جامعه باشد. هم‌چنین مقیاس کالبدی آثار هنر محیطی باید متناسب با مقیاس بستر شکل‌گیری آن باشند. به این معنا که مقیاس اثری که در میدان اصلی یک شهر تحقق می‌یابد با مقیاس اثری که در یک میدان کوچک شهری و یا مرکز یک محله شکل می‌گیرد، متفاوت خواهد بود. با این نگاه می‌توان گفت هنر محیطی در بازتولید مقیاس انسانی در فضاهای شهری مؤثر است.

فضای شهری به عنوان مکانی برای تحقق انواع رویدادها و فرصت‌های متنوع حیات جمعی بیش از هر چیز نیازمند ویژگی‌های انعطاف‌پذیر است به طوری که در هر زمان با تغییر نوع رویداد و با کم‌ترین تغییرات کالبدی بتواند با آن رویداد هماهنگ شود. با انعطافی که در ماهیت اراییه‌ی آثار هنر محیطی در فضاهای شهری از طریق چیدمان‌های شهری وجود دارد. این آثار می‌توانند در انعطاف‌پذیری فضاهای باز و عمومی شهری نیز نقش داشته باشند. هم‌چنین خلق آثار هنر محیطی و هنر شهری با مفاهیم و بیان‌های متنوع و گوناگون می‌تواند تأثیر زیادی در تنوع و طراوت کالبدی شهر داشته باشد. برای مثال تنوع فرهنگی و قومی که در محله‌های مختلف یک شهر وجود دارد. می‌تواند خواستگاه ایده‌های متفاوت در شکل‌گیری آثار هنر محیطی در بخش‌های مختلف یک شهر باشند.

خوانایی شهر و فضاهای عمومی شهری از جمله معیارهای کیفیت کالبدی شهرها به شمار می‌رود. سهولت شناخت و برقراری پیوند بین اجزا و عناصر شهری با سایر مکان‌ها در شهر از جمله مؤلفه‌های سازنده‌ی خوانایی و هویت شهری است. معنا شهر با شکل فضایی و کیفیت آن در ارتباط مستقیم است. همان‌طور که با فرهنگ شهروندان نیز ارتباط دارد، برای دستیابی به خوانایی شهری نشانه‌های شهری با هدف جهت‌یابی و هدایت افراد می‌توانند عناصر بسیار مهمی به شمار آیند. بسیاری از آثار

هنر محیطی که در فضاهای عمومی شهری خلق می‌شوند، قابلیت تبدیل شدن به المان‌های برجسته‌ی شهری و نشانه‌های هویت‌ساز فضاهای شهری را دارند. ماندگاری آثار هنر محیطی در اذهان شهروندان آن‌ها را تبدیل به یادمان‌هایی می‌کند که می‌توانند تأثیرگذاری زیادی در افزایش خوانایی فضاهای شهری داشته باشند. از طرف دیگر افزایش خوانایی و حس آشنایی و صمیمیت شهروندان با فضاهای شهری تقویت حس تعلق آن‌ها به این فضاها را در پی خواهد داشت. اما از مهم‌ترین تأثیرات هنر محیطی در ارتقای کیفیت کالبدی فضاهای شهری بهبود منظر و سیمای شهری است. آگاهی و اشراف هنرمندان محیطی به مبانی سواد بصری و غنای زیبایی‌شناسانه‌ی آن‌ها باعث می‌شود که خلق آثار هنر شهری و هنر محیط‌های شهری را ارتقا دهند. یکی از هنرهایی که هنر محیطی را به منظر شهری پیوند می‌دهد، اینست که نقش عمده‌ای در الگوی رفتاری انسان شهرنشین داشته و علاوه بر رسالت و وظیفه‌ی پیام‌رسانی و انتقال مفاهیم کیفیت‌های بصری را نیز برای شهر به همراه می‌یاورد. گرافیک شهری یا محیطی ارتباط عملی چیدمان و منظر یک شهر و به عبارتی دیگر، شکل‌دهی و استفاده از فضای عمومی شهر است.

تحقق زیبایی در محیط و منظر شهری نیازمند ارتقای کیفیت فضاهایی بصری نماهای شهری مبلمان شهری و فضاهای سبز و بسیاری موارد دیگر می‌باشد. عناصر نور رنگ صدا و بوی نیز از عوامل تأثیرگذار در بهبود محیط و فضاهای شهری به شمار می‌روند. این مفاهیم زیبایی‌شناسانه در محیط و منظر شهری در چهارچوب هنری به نام «گرافیک شهری یا محیطی» محقق می‌شود. بنابراین، از اصلی‌ترین اهداف گرافیک شهری و محیطی هویت‌بخشی به شهر فضاهای شهری و منظر شهری بهبود کیفیت و آرامش بصری در فضا و سیمای شهری و هم‌چنین ارتقای فرهنگ بصری و تجسمی در شهروندان می‌باشد (پور مختار، ۱۳۹۲، ص ۲).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که هنر محیطی می‌تواند به بهبود روابط ما با محیط زندگی و جهان طبیعت کمک کند، در عصر حاضر هنر محیطی تقریباً در همه جای دنیا مطرح و پذیرای مخاطبان خاص و عام گشته است (محمدیان، ۱۳۹۲، ص ۱).

هنر محیطی و هنر شهری یکی از ابزارهای غنی «فرهنگ رسانه‌ای» پس از دوره‌ی مدرن برای آوردن هنر به درون زندگی و کم‌رنگ کردن مرز فرهنگ تجریدی و زندگی روزمره مردم است که در آن هر عینیت شهری به رسانه‌ی برای ارتباط تبدیل می‌گردد. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، هنر محیطی و اثر محیطی شیوه‌ای از «هنر ترکیبی» است که طی آن هنرمند فضای سه‌بعدی را که از پیش برنامه‌ریزی شده است، خلق می‌کند. به نحوی که مخاطب یا همان شهروند را در بر می‌گیرد. وی را در

مجموعه‌ی متنوعی از انگیزش‌های حسی از قبیل انگیزش بصری شنیداری جنبشی و گاه بویایی قرار می‌دهد. هم‌چنین هنر محیطی در فضاها‌ی جمعی و عمومی شهری بر ارتباط میان آدم‌ها و برخورد آنان با واقعیت اجتماعی تأکید دارد و تلاش می‌کند تا با از میان برداشتن مرز بین هنر و زندگی تعریف جدیدی از اثر هنری (که در بسیاری مواقع همان اشیا و عناصر پیرامون انسان هستند)، به شهروندان که در واقع مخاطبان اصلی آن هستند، ارایه کند. شکل‌گیری کامل اثر هنری نیز به واسطه‌ی حضور همین شهروندان و مخاطبان در درون اثر هنری میسر می‌شود، چرا که مخاطب خود به عنوان قسمتی از اثر هنر محیطی و هنر شهری در نظر گرفته می‌شود. این ویژگی مخاطب‌محورانه‌ای هنر محیطی و هنر شهری باعث تقویت ابعاد اجتماعی این هنر و افزایش میزان تأثیرگذاری فرهنگی-اجتماعی آن شده است (پور مختار، ۱۳۹۲، ص ۲).

### یافته‌های تحقیق

از تعاریف هنر عمومی بر می‌آید که به نوعی از فعالیت‌های هنری اطلاق می‌شود که با یک منظور خاص برای ظاهر شدن در مکان‌های عمومی اجرا می‌شود. از این تعریف پیداست که نقاط عمومی شهر خیلی جایی بهتری است برای ظهور این هنر عمومی. از آنجایی که معماری و طراحی شهری بخشی اجتناب‌ناپذیر هنر عمومی در یک شهر می‌باشد، زیرا مردم در عملکردهای روزانه‌ی شان آنرا تجربه می‌کند و از گوشه و کناره‌ی آن عبور و مرور می‌کند. فضای عمومی شهر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند، هر قدر فضای شهری هنرمندانه طراحی شود و تجهیز با مبلمان شهری چون طراحی چراغ‌های روشنایی، ایستگاه‌های سرویس، طرح چوکی‌ها در فضای باز شهری، ساختن باغچه‌های گل در نقاط قابل دید، تعدادی زیاد از مردم قرار گیرد، طراحی دستگاه تلفون‌های عامه، سایه‌بان‌ها، پارک‌های عمومی با طراحی هنرمندانه، پارک‌های بازی اطفال، طرح موزائیکی پیاده‌روها که زمینه ساز توسعه‌ی فرهنگ پیاده‌روی در شهر می‌شوند، نقاشی‌های دیواری می‌تواند به زمینه‌ی برای بیان خلاقیت و نوآوری‌های هنرمندان عرصه‌ی هنرهای عمومی تبدیل شوند و در خدمت عامه مردم قرار گیرد. به اساس بررسی‌های که در این زمینه صورت گرفت، اغلب این هنر را یک تجربه‌ی خاص کاری با تعیین مشخصه‌ی مکانی که شامل تمامی مشغله‌های اجتماعی می‌شود، یافتیم.

طراحی فضاها‌ی شهری به عنوان مکان کار، و زندگی و آمدورفت شهروندان از دوران گذشته مورد توجه بوده است. اکثر هنرمندان را عقیده بر آن است که هنرهای عمومی از اوایل قرن ۲۰ در کشورهای اروپایی و امریکایی بیشتر مورد توجه بوده و روش‌های متفاوتی را در زمینه به تجربه گرفته اند، هنر عمومی مانند سایر جنبش‌های هنری معاصر ریشه در تحولات و جریان‌های دوران معاصر

دارد. هنر عمومی با گذشت زمان و رشد مفهوم اجتماعی اش به محلات عمومی و فضاهای شهری راه یافت و شهرها را به عنوان جایگاه هنری خود برگزید، هنر شهری وجوه مشترکی با هنر محیطی پیدا کرد. مگر با تمام بی‌توجهی‌های که در کشورهای جهان سوم در مجموع و به طور اخص در افغانستان بدان صورت می‌گیرد. با آن هم همواره رسالت خود را در قبال موضوع‌های مهم شهری و محیطی فراموش نکرده، ارتقای کیفیت زندگی شهری را از طریق بهبود و توسعه‌ی ویژگی‌های منحصر به فرد مکان‌های شهری ضروری پنداشته است. بناءً، پژوهش حاضر به هدف حمایت از سیاست‌های فرهنگی دولت و مبذول داشتن توجه به هنر و هنرمند و نقش سازنده‌ی آن در قبال جامعه در جهت به‌زیستی در فضای شهری هم‌چنان در نظر داشت نقش فعالیت‌های هنری و هنر عمومی در انکشاف فضاهای شهری صورت گرفته، لذا با در نظر داشت مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که هنر شهری در فضاهای عمومی شهرها محقق می‌یابد و زمینه‌ی گفتمان‌ها و دیالوگ بین آثار و مخاطب عام شکل می‌گیرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

قسمی که گفته آمدیم، هنر عمومی در فضاهای عمومی و مردمی در تعامل با معماری و طراحی شهری و نیز با در نظر داشت مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند تأثیرات فوق‌العاده‌ی در فضای عمومی شهر داشته باشد. از آنجائی که شهر بستر و مکانی مساعد برای زندگی انسانی است. بناءً، از همین جا ارتباط هنر با شهر و فضاهای عمومی آغاز می‌شود و هنرمند باید این رابطه را در همین مکان‌ها جست‌جو کند. چون هنر عمومی هنر تلفیق شده اکثراً در فضاهای عمومی شهر چون پارک‌ها، خیابان‌ها، مجتمع‌های مسکونی و یا هر جای دیگری که مردم در آن جاها تجمع و یا کار می‌کنند و یا حد اقل اوقات فراغت خود را می‌گذرانند، کاربرد دارد.

هنر عمومی می‌تواند بسیاری از اصول و ارزش‌ها اخلاقی را به جامعه معرفی کند و روحیه‌ی انسان‌گريانه را در محیط و جامعه تقویت بخشد. در ضمن بحث‌های انجام شده، به یک مسأله‌ی مهمی باید توجه داشته باشیم و آن این‌که هنرمند هنر عمومی نباید در پی تحمیل چیزی به مخاطب باشد. در این صورت اثر عاری از کیفیت و معیارهای موجود در دید مخاطب به نمایش گذاشته می‌شود. زیرا تجربه نشان داده که هر قدر اثر هنری از بیان مستقیم، شعاری، توصیه‌ای و دستوری در انتقال پیام اجتناب کند. اثرش تأثیرگذارتر و اثربخش‌تر به مخاطب انتقال می‌یابد. فلذا هنرمندانی که سرکار شان با هنر عمومی است. در پی خلق آثاری باشند که مخاطب با درک درست از آن پذیرای محتوای اثر هنری شان در فضای عمومی شوند.

از آنجائی که راه‌اندازی برنامه‌های هنری و گسترش فعالیت‌های فرهنگی در جهت ایجاد برنامه‌ها و انگیزه‌های بهتریستن در فضای شهری نقش قابل ملاحظه دارند. خصوصاً در کشورهای که دغدغه‌های محیط‌زیستی متوجه آن‌ها است. هنرمندان با بررسی مجموعه‌ی از نظریات دانش‌مندان و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده‌ی آن‌ها، مبنی بر این که هنر عمومی و تأثیرگذاری آن بر ابعاد گوناگون فضای شهری با توجه به مطالعات انجام‌شده در زمینه می‌توان اظهار نظر نمود که هنر عمومی بر زیباسازی محیط‌های طبیعی و مصنوعی تمایل زیادی نشان می‌دهد که بیشترین تأثیراتی را بالای شهروندان در فضای عمومی شهر گذاشته است.

در سالیان اخیر هنر عمومی و ظهور آن در فضای شهری مورد توجه متخصصین و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته و به مثابه‌ی هنر تلفیق‌شده با مکان‌های عمومی و مجموعه‌های ساختمانی هم‌چنان فضاهای سبز شهر خیابان‌ها و محلات مسکونی باروی کرد تعاملی مفهوم جدیدی کسب کرده و به عنوان یک فعالیت تلفیق‌شده با فضای شهری و هنر محیطی محسوب می‌گردد. تدویر نمایشگاه‌ها و به راه‌انداختن برنامه‌های هنری در این مورد توجه فعالان عرصه‌ی محیط زیست را به خود معطوف ساخته. لذا هنرمندان از دیدگاه‌های متفاوتی به موضوعات محیط‌زیستی و زیباسازی مکان‌های عمومی در فضای شهری می‌پردازند. به همین دلیل برخی از آثار هنر عمومی به‌منظور تأثیرپذیری بیشتر اکثراً در راه‌ها و جاده‌های پُرفت‌و‌آمد و در یک مسیر فعال چون مسیر پوهنتون‌ها، کتاب‌خانه‌ها، موزیم‌های علمی و غیره در مطابقت به محل کار نصب می‌شود تا همه مردم از آن استفاده کند و من حیث یک اثر هنری مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- بهرامی نیکوحسن، سجادزاده. (۱۳۹۳). نقش هنر عمومی در آفرینش مکان‌های شهری. تهران: معماری شهرسازی آرمان شهر.
- پورمختار، خدابخش. (۱۳۹۲). نقش هنر محیطی در ارتقای کیفیت‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی شهر.
- حسینی، لاهیجی. (۱۳۸۹). زیباسازی در فضای شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- قاسمی، الهام. (۱۳۹۶). هنر عمومی تعاملی (میان‌کنشی) در فضای شهری. تهران: طراح شهری ایران.
- محمدیان. (۱۳۹۲). هنر محیطی از نظر تاریخی. تهران: نشریه‌ی هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی.
- مرادی، سلمان. (۱۳۸۹). هنر عمومی و تلفیق آن در فضای شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی نژاد، هادی و صادقی، علی رشاد. (۱۳۸۸). طراحی شهری از روان‌شناسی محیطی تا رفاه اجتماعی: هله و طحان.
- نورزایی، محمد شفیق. (۱۳۹۶). "سیمای شهر کابل در پرتو هنر محیطی" مبانی هنرهای تجسمی با رویکرد محیط زیست. تهران: دانشگاه الزهرا.